

2"ریبه ندان" پرچمی است برای حقانیت مبارزه در راه برابر حقوقی

از "۳ ریه ندان" (۲ بهمن) ماندگار در حیات سیاسی مردم کردستان، هفتادوسه سال می‌گذرد بی‌آنکه هنوز هم به تاریخ پیوسته باشد. خاطره این برآمد در وجدان مردم کردستان همچنان بیدار است و الهام‌بخش مبارزه‌ای که اکنون به هشت دهه تلاش پیگیرانه خود نزدیک می‌شود. بیداری وجدان ملی کردستان از این روز تاریخی مایه بسیار دارد.



"۳ ریه ندان" سرفصل مهمی است در روند اعتراض علیه انکار هویت ملی کرد و پرچمی برای ابراز هویت در برابر تبعیض و زور. تبعیضی که، حق‌طلبی برمی‌انگیزد و حقانیتی که، طی تاریخ معاصر از سوی دولت‌های مرکزی همواره پاسخ سرکوب گرفته است. شعله این مبارزه علیرغم بارها تخریب خانه و کاشانه‌ها بر اثر توپ‌باران‌ها و بمباران‌ها در این دیار و نیز زجر و شکنجه، حبس، تبعید، قتل و اعدام فرزندان آن هیچ‌گاه فروکش نکرده، به شیوه‌های گوناگون جریان یافته و همچنان نیز برپاست. به پشتوانه همین مبارزه درازدامن است که کردستان را به پیگیر بودن در تحقق حقوق خود شناخته‌اند. مبارزه در کردستان برای تأمین برابر حقوقی ملی، تداوم دارد تا از تبعیض ملی رهایی یابد و سرانجام به آزادی رسد.

با فروپاشی حکومت دیکتاتوری رضاشاه، ملی‌گرایان کرد نیز شرایط برای آغاز فعالیت سیاسی خود در راستای حقوق ملی را مساعد یافتند. گروهی از این مبارزان روز ۲۵ مرداد ۱۳۲۱ "کومه له ی ژپانی کورد" (جمعیت احیای کرد) را در خدمت تحقق مطالبات ملی مردم کردستان پایه‌گذاری نمودند و دو سال و اندی بعد بود که شخصیت بلندپایه کرد- قاضی محمد، در رأس آن قرار گرفت. او و یاران حزبی‌اش در ۲ آبان ۱۳۲۴ و با حمایت ۱۰۵ تن از سرشناسان کرد، طی کنگره‌ای اقدام به تأسیس "حزب دمکرات کردستان ایران" نمودند و در بخش‌هایی از بیانیه هشتگانه نخستین کنگره خود بر مطالبات زیر تأکید کردند:

- رسمیت زبان کردی به‌عنوان زبان اداری و آموزشی؛

- خودمختاری برای کردستان در چارچوب ایران؛

- و تشکیل انجمن ایالتی مطابق قانون اساسی مشروطه.

رهبران حزب آنگاه پشت‌گرم به حمایت شوروی، روز ۲ بهمن‌ماه همین سال در میدان مرکزی شهر مهاباد (چوار چرا) و حضور جمعیت بزرگی در آن، تأسیس خودمختاری کردستان ایران تحت نام "جمهوری مهاباد" را اعلام داشتند.

دولت مرکزی وقت از همان آغاز تأسیس کردستان خودمختار، انواع توطئه‌ها علیه آن بکار برد. در پی سقوط حکومت ملی آذربایجان در تبریز، مهاباد نیز در معرض سقوط قرار گرفت؛ از بیرون به محاصره درآمد و از درون دچار تنگنا. قاضی با دریافت قول از ارتش در اجتناب از جنگ و خونریزی، شهر را بر روی آن گشود. فرماندهی ارتش اما به تعهد خود پایبند نماند، متوسل به دستگیری‌ها و تبعیدهای گسترده شد و او را که شرافتمندانه مسئولیت همه اقدامات "جمهوری مهاباد" را به عهده گرفته بود همراه با سیف قاضی در دادگاه نظامی به اعدام محکوم کرد و روز ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ دارشان زد. قاضی محمد در این دادگاه، شرافتمندانه به دفاع از حقوق قانونی مردم کردستان که در قانون اساسی مشروطیت عملاً زیر نام انجمن‌های ایالتی و ولایتی به رسمیت شناخته‌شده بود برخاست و سنت مبارزه در راه برابر حقوقی ملی کردستان در ایران را قوام بخشید. او به جان در راه آرمانش کوشید.

دولت شاهنشاهی پس از تصرف مهاباد، آموزش به زبان کردی را ممنوع اعلام کرد، چاپخانه‌های کردی را بست و درملاًعام کتاب سوزان کردی راه انداخت. قوانین مترقی وضع‌شده توسط حکومت خودمختار در برخی زمینه‌های رفاه اجتماعی، برنامه جامع آموزشی کردی و ایجاد کانون پرورش فکری کردستان و اصلاح قوانین حقوقی و کیفری توسط آن را ملغی اعلام داشت و سایه حکومت مبتنی بر تبعیض را دیگر بار بر سر این شهر و ناحیه پهن کرد. در پی سرکوب‌های بی‌رحمانه، نوعی از حکومت‌نظامی در این منطقه و به مدت چند سال مستقر گردید و آنگاه، تلاش تبلیغاتی حکومت تماماً صرف این شد که خواست برابر حقوقی ملی کردستان را "وابستگی به بیگانه" و "تجزیه‌طلبی" معرفی کند.

سنت مبارزاتی "دو ریه ندان"، شکوه و بزرگی خود را در جریان و فردای انقلاب بهمن نشان داد. کردستان این بار در یکپارچگی و همبستگی، پرچم مطالبه خودمختاری در ایرانی دمکرات را برافراشت.

جوانان بسیاری از آن قربانی شدند و شهرها و روستاهایش بارها و بارها زیر آتش و گلوله قرار گرفتند. کردستان، در این چهار دهه راه پر فراز و فرودی طی نموده، کامیابی‌ها و ناکامی‌های فراوان دیده و تجاربی غنی اندوخته است. اما طی این مدت سراسر هزینه، هرگز از مطالبه تاریخی و محوری خود مبنی بر تحقق برابر حقوقی ملی در ایران و کردستان ایران بازنیستاده و همواره بر آن پای فشرده است.

جمهوری اسلامی به هر جنایتی در این چهل سال دست زده تا به خیال خودش صورت مسئله معضل کرد را از بیخ و بن پاک کند. این حکومت از "نوروز خونین سنندج"، کشتارهایی چون "قارنا" و "قالاتان"، لشکرکشی سراسری ۲۸ مرداد علیه کردستان در همان سال اول زمامداری‌اش گرفته تا انواع جنایات بعدی طی سال‌های تهاجمات نظامی و سرکوب حکومتی، قربانیان بسیاری روی دست مردم کردستان گذاشته است. کارنامه جمهوری اسلامی در کردستان و طول این مدت، مملو است از زجر، حبس، اعدام، ترورهای درون‌مرزی و برون‌مرزی و آخرینش توپ باران اخیر دفاتر و محل کنگره نیروهای کرد در "اقلیم" با پیامد تلفات بسیار. سنگ به سنگ این مسیر آغشته به خون است. مطابق آمار منتشره از سوی مدافعان حقوق بشر، تاکنون چهارصد نفر از فعالین سیاسی و مدنی کرد فقط در خاک اقلیم کردستان کشته و ترور شده‌اند.

مطالبه رفع ستم ملی در کردستان اما کماکان ادامه دارد، زیرا این خواست، برگرفته از اراده عمومی مردم آن است که نه تنها از میان نمی‌رود بلکه هرروز تولدی دیگر می‌یابد. "جمهوری" ای که با برآمد تاریخی مردم کردستان در "۳ ریه ندان" پرچم برافراشت، "خودمختاری" که در مرحله بعدی جنبش به شناسنامه تاریخی این جنبش حقانیت خواه بدل شد و "فدرالیسمی" که با تعابیر متنوعی برای آن مطرح است، کم یا زیاد بیانگر یک خواست تاریخی‌اند: تحقق برابر حقوقی ملی برای کردستان در ایران.

گروه کار ملی - قومی حزب چپ ایران (فداییان خلق) بر حقانیت این خواست تاریخی پای می‌فشرد و با گرامیداشت خاطره تابناک "۳ ریه ندان" و احترام به سنت مبارزاتی ۷۳ ساله پیرو آن، یاد همه جان فداهای تبعیض ستیز کرد را گرامی داشته و همراهی و پشتیبانی خود از این مبارزه عادلانه را اعلام می‌دارد.

گروه کار ملی- قومی حزب چپ ایران(فداییان خلق)

۲ بهمن ۱۳۹۷